

خدمات زنده یاد ایرج افشار به ایرانشناسی در اتریش

نصرت‌الله رستگار*



ایران شناس سوئسی، یوهان کریستوف بورگل، به ایران آمدم. در «مرکز مطالعات بین‌المللی» وزارت خارجه در نیاوران که محل برگزاری آن مراسم بود، افتخار آشنایی شخصی با استاد ایرج افشار را یافتم که از آن به بعد منجر به همکاری‌های علمی متعدد و دوستی محبت‌آمیزی گردید. استاد در همان جلسه بزرگداشت در نیاوران، قبل از هر چیز از دستنویس‌های موجود در کتابخانه ملی اتریش پرسیدند و این که آیا خانم دکتر دُرْتفا دودا بعد از آن فهرست دوجلدی «نسخ خطی مصور فارسی» که در سال ۱۹۸۳ در فرهنگستان علوم اتریش منتشر کرده بود، خودشان و یا کس دیگری فهرستی از بقیه دستنویس‌های فارسی کتابخانه ملی اتریش تهیه کرده است. جواب من منفی بود و از ایشان پرسیدم که آیا خودشان مایل نیستند این کار را انجام دهند. ایشان خوشبختانه آمادگی خود را اعلام کردند و قرار گذاشتیم پس از مراجعتم به وین مقدمات سفرشان را فراهم کنم. ضمناً به اطلاع استاد رساندم که حق چاپ و نشر نسخه خطی «ظفرنامه» حمدالله مستوفی (شماره 2833 or کتابخانه بریتانیا) را، که در آن زمان گمان می‌بردیم منحصر به فرد است، قبلاً از کتابخانه و موزه بریتانیا برای فرهنگستان علوم اتریش اخذ کرده‌ام، اما چاپ آن در وین مقدور نیست و از ایشان پرسیدم که آیا ناشر مناسبی در تهران سراغ دارند که آمادگی چاپ و انتشار این نسخه را با همکاری ما داشته باشد. استاد افشار که از اهمیت این نسخه به خوبی آگاه بود، در همان جلسه مرا با دکتر نصرالله پورجوادی، رئیس مرکز نشر دانشگاهی، حضوراً آشنا کرد و هر دوی ما را مؤکداً

«ایران شناسی» در اتریش از سنتی سیصدساله برخوردار است که تاریخچه آن را قبلاً به فارسی منتشر کرده‌ام.^۱ آموزش و پژوهش در رشته به اصطلاح امروزی «ایران شناسی»^۲ در وین از سال ۱۷۵۴ تا اواسط قرن نوزدهم در «آکادمی شرقی قیصری-پادشاهی»^۳ و از اواسط قرن نوزدهم تا سال ۱۹۷۰ در دانشگاه وین (و حدوداً تا سال ۱۹۲۹ نیز در دانشگاه گراتس) میسر بود، تا آن که پروفیسور هربرت ویلهلم دودا صاحب کرسی شرق شناسی در دانشگاه وین در سال ۱۹۷۰ بازنشسته شد و کمی بعد هم در نتیجه تغییر ساختار رشته «شرق شناسی» و تجزیه آن به رشته‌های مستقل «مطالعات ترکی»،^۴ «مطالعات عربی»^۵ و «اسلام شناسی»^۶ و نیز به علت نبودن استاد برای رشته «ایران شناسی»، این رشته در «انستیتوی شرق شناسی» دانشگاه وین بی‌سرپرست ماند و دیگر ادامه نیافت.

تقریباً همزمان با تعطیل شدن رشته «ایران شناسی» در دانشگاه وین، «کمیسیون تحقیقات ایران شناسی» در سال ۱۹۶۹ به همت پروفیسور مانفرد مایرهوفر در آکادمی علوم اتریش دایر گردید که خوشبختانه دامنه فعالیت‌های پژوهشی آن طی سی و سه سال متداوماً رشد کرد. آکادمی علوم در اول نوامبر ۲۰۰۲ آن کمیسیون را منحل و به جای آن یک «انستیتوی ایران شناسی» تأسیس کرد تا دامنه پژوهش‌های ایران‌شناختی را در سطح وسیع‌تری توسعه دهد. تاریخچه و شرح برنامه‌های پژوهشی این مؤسسه در سایت انستیتو آمده است.^۷

شروع همکاری‌های علمی کمیسیون ما با زنده‌یاد ایرج افشار به اکتبر سال ۱۹۹۵ برمی‌گردد که من بعد از ۱۳ سال اقامت در وین و کار در آکادمی علوم اتریش و در دانشگاه وین، به دعوت وزارت خارجه جهت شرکت در بزرگداشت

* استاد بازنشسته دانشگاه وین - اتریش

۱. نک: مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی، ۲۷-۳۰ خرداد ۱۳۸۱، بنیاد ایران‌شناسی (۱۳)، تهران ۱۳۸۳، صص ۲۴۹-۲۸۰.

2. Iranistik
3. K.K. Orientalische Akademie
4. Turkologi
5. Arabistik
6. Islamwissenschaft
7. www.oeaw.ac.at/iran



گسترش یافت و تا چند ماه پیش بدون وقفه ادامه داشت که ثمرات بی‌شماری برای توسعهٔ ایران‌شناسی در اتریش به بار آورد؛ من جمله این‌که استاد راه‌آشنایی و همکاری‌های متعدد علمی و انتشاراتی «کمیسون ایران‌شناسی» فرهنگستان علوم اتریش را با مؤسسات علمی و انتشاراتی و دانشمندان ایرانی باز کرد؛ ابتدا با «مرکز نشر دانشگاهی» (دکتر نصرالله پورجوادی و همکارانش)، بعد «مؤسسهٔ نشر فرهنگستان» (احمد رضا رحیمی ریسسه) و به‌ویژه با «مرکز پژوهشی میراث مکتوب» (دکتر اکبر ایرانی و دیگر همکارانش)، با نامهٔ بهارستان (دکتر نادر مطلبی کاشانی و دیگر همکارانش)، با «کتابخانهٔ مرکزی» دانشگاه تهران (دکتر فریبا افکاری، سوسن اصیلی و کرم‌رضایی)، با «بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار» (با دکتر سید مصطفی محقق داماد، محمدتقی جنیدی و دیگر همکارانش) و با بسیاری دیگر از مؤسسات و عزیزان^{۱۰}. آنچه مرا همیشه به تحسین وامی‌داشت، کنجکاوای پژوهشگرانه، مطالعات عالمانه و عشق و دلسوزی‌های استاد افشار و به‌ویژه در مورد میراث مکتوب فارسی و نیز نگاه تاریخ‌جو و دست‌خستگی‌ناپذیر تاریخ‌سازشان و از همه مهم‌تر استقلال فکر و عملشان بود. با آن‌که به تبع کارهای پژوهشی‌ام به بسیاری از کتابخانه‌های اتریش سر زده بودم، ایشان به اطلاعات ما بسنده نکرده، خود در وین به همهٔ آنها مراجعه می‌کردند و جویای نسخ خطی و چاپی فارسی می‌شدند. از آن جمله روزی بی‌خبر به کتابخانهٔ کلیسای آرامنه در وین که چندین قرن است پابرجاست ولی من تا آن زمان از آن بی‌خبر بودم، رفته بودند و اولین کتاب‌هایی که در قرن ۱۷ م. در وین به زبان فارسی چاپ شده بود را آنجا دیده و فتوکپی صفحاتی از آنها را سفارش داده بودند و یا یادداشت‌هایی برداشته بودند («چهلستون» چاپ ۱۶۷۸ وین)^{۱۱} البته مجموعه‌های خطی و حتی کتاب‌های چاپی قدیمی فارسی موجود در کتابخانه‌های وین برای استاد جذابیت خود را داشت و ایشان نسخ خطی یا چاپی فارسی را که یا منحصر به فرد بودند یا نایاب، پیدا کرده و

۱۰. به همین ترتیب استاد نیز در هر سفر جویای ایرانیانی می‌شدند که در وین و یا دیگر شهرهای اتریش دستی به قلم دارند. من هم در حد توان ارتباط استاد را با آنها برقرار می‌کردم؛ من جمله با ایرج هاشمی‌زاده در شهر گراتس که استاد او را از نوشته‌هایش در کلک و بخارا می‌شناختند و یا مهندس خسرو جعفرزاده که در زمینهٔ موسیقی سنتی ایران صاحب تالیفاتی است. همین‌طور گاهی هم شب به یکی از رستوران‌های ایرانی در وین که پاتوق هنرمندان و اهل قلم ایرانی است، سر می‌زدیم و استاد با آنها به گفت‌وگو می‌نشست...

۱۱. نک مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی، ۲۷-۳۰ خرداد ۱۳۸۱، بنیاد ایران‌شناسی (۱۳) تهران ۱۳۸۳، صص ۲۷۳-۲۷۴.

بدین کار تشویق فرموده، قول هرگونه مساعدتی را دادند. آشنائی، همکاری و دوستی ماندگار من با پورجوادی و دیگر همکاران ایشان در مرکز نشر دانشگاهی در سال‌های بعد، که منجر به انتشار چاپ عکسی «ظفرنامهٔ حمدالله مستوفی به انضمام شاهنامهٔ فردوسی» در سال ۱۹۹۹ م (۱۳۷۷ ش) در تهران و وین گردید، همه در سایهٔ محبت‌های بی‌دریغ زنده‌یاد ایرج افشار ادامه یافت.

پس از مراجعت به وین، مقدمات سفر استاد به وین فراهم شد و ایشان در ۱۶ ژانویهٔ ۱۹۹۷ (بیست و پنجم دی ۱۳۷۵) برای مدت نزدیک به یک ماه به وین تشریف آوردند و در همین مدت کوتاه در «بخش نسخه‌های خطی کتابخانهٔ ملی اتریش» به بازبینی جمعاً ۳۰۹ دستنویس فارسی و یادداشت‌برداری از آنها پرداخت. در ضمن از ۲۱ نسخهٔ خطی فارسی دیگر که در «آرشیو دولتی اتریش» وجود داشت و لیستی از آن در دستم بود نیز فهرست جامعی تهیه کردند. ایشان پس از آن سفر، در فاصلهٔ چهارسال، دو سفر ده‌روزهٔ دیگر هم برای تطبیق یادداشت‌ها با نسخه‌ها به وین داشتند و بعد فهرست خود را در تهران به صورت دستنویس آماده کردند. این فهرست بر اساس قراردادی که به توصیهٔ استاد بین فرهنگستان علوم اتریش و «مؤسسهٔ نشر فرهنگستان» با احمد رضا رحیمی ریسسه منعقد شد، در سال ۲۰۰۳ م/۱۳۸۲ ش تحت عنوان «فهرست دستنویس‌های فارسی در کتابخانهٔ ملی اتریش و آرشیو دولتی اتریش در وین» در تهران و وین منتشر شد^۸ که سال بعد در تهران جایزهٔ بهترین کتاب سال را دریافت کرد.

اهمیت فهرست استاد افشار، که صد و سی و هفت سال بعد از فهرست گوستاو فلوگل^۹ منتشر شد، در این بود که بقیهٔ نسخ خطی فارسی که بعد از «فهرست نسخ خطی عربی، فارسی و ترکی» فلوگل، برای «کتابخانهٔ دربار قیصری-پادشاهی» و سپس «کتابخانهٔ ملی اتریش» تهیه شده بود، برای اولین بار به جامعهٔ علمی معرفی شد که بدین ترتیب با این دو فهرست تمامی نسخ خطی فارسی موجود در کتابخانهٔ ملی و آرشیو دولتی اتریش در وین توصیف شده‌اند.

دامنهٔ همکاری نزدیک استاد ایرج افشار با ما در وین هر سال

۸. شرح مختصری از این سفرها و یادداشت‌برداری‌ها را استاد در مقدمه‌هایی که بر این «فهرست» نوشته‌اند، آورده‌اند.

9. Gustav Flügel: *Die Arabischen, persischen und türkischen Handschriften der Kaiserlich-Königlichen Hofbibliothek zu Wien, Bd. 1 Wien 1865, Bd. 2 Wien 1866.*

به هزینه خودشان سفارش میکروفیلم و یا فتوکپی آنان را به من می‌دادند.^{۱۲}

همکاری‌های علمی استاد افشار با ما، پس از آن که «کمیسیون ایران‌شناسی» فرهنگستان علوم اتریش در اول نوامبر ۲۰۰۲ به «انستیتوی ایران‌شناسی» توسعه یافت، باز هم عمیق‌تر و نزدیک‌تر گردید. دلیل عمده‌اش دوستی دیرینه و عمیقی بود که بین استاد افشار و پرفسور برت گ. فراگنر مدیر این انستیتو از سال‌ها پیش وجود داشت و شروع آن به سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۹ م برمی‌گشت. در آن‌زمان فراگنر به عنوان یک دانشجوی دوره‌دکتر در تهران اقامت داشت و در دانشگاه تهران در محضر استاد ایرج افشار و دیگر اساتید مانند محمدابراهیم باستانی پاریزی، شیرین بیانی و منوچهر ستوده و زنده‌یادان سید جعفر شهیدی، ذبیح‌الله صفا، محمدجعفر محجوب، مجتبی مینوی تلمذ کرده بود. بنابراین از سال ۲۰۰۳ به بعد تماس‌های تلفنی و کتبی ما با استاد حداقل به یک بار در هفته و دیدارهای حضوریمان به سالی یکی دو بار می‌رسید که سعادت این ارتباط برای شخص من به معنی معاشرت، تلمذ و دوستی با بزرگمردی چون او بود؛ حال یا در منزل ایشان در فرمانیه/کامرانیه و یا طی جلسات متعددی که با استاد در مؤسسات یادشده در تهران داشتیم و یا طی ساعت‌ها کار در انستیتویمان، در هتل ایشانف، در کتابخانه‌های وین و یا در آپارتمانم در وین و یا در خانه بیلاقی‌ام در پایرباخ. همه این اوقات و لحظات دلنشین، آگاهی‌های بسیاری را برای من و نزدیکانم و همکارانم در انستیتوی ایران‌شناسی به ارمغان آورد. هر وقت من و همکارانم در پژوهش‌های خود سؤالی یا مشکلی داشتیم، حضوراً یا تلفنی با استاد در میان می‌گذاشتیم و ایشان «گره از کار ما می‌گشودند».

دومین همکاری انتشاراتی ما با استاد، تهیه یک چاپ عکسی از روی قدیمی‌ترین نسخه خطی ختم‌الغرائب (تحفة العراقرین) خاقانی بود که ایشان ضمن فهرست‌برداری از نسخ خطی فارسی کتابخانه ملی اتریش کشف کرده و سپس آن را در معارف معرفی کرده بودند.^{۱۳} پروفیسور فراگنر و من در اوایل سپتامبر سال ۲۰۰۶ (شهریور ۱۳۸۵) برای شرکت در مراسم رونمایی ختم‌الغرائب به تهران آمدمیم که با کوشش استاد و

همکاری «مرکز پژوهشی میراث مکتوب» در همان ماه در تهران و وین منتشر شد و نیز برای عقد قراردادی با «میراث مکتوب» برای چاپ عکس رنگی از روی نسخه خطی الاینیه، که در کتابخانه ملی اتریش در وین نگهداری می‌شود. یک سال قبل از آن نیز در جلسه مشترکی که در تاریخ ۴ سپتامبر ۲۰۰۶ با استاد افشار و دکتر ایرانی داشتیم، استاد مجدداً ضمن برشمردن مطالبی در مورد اهمیت تاریخی نسخه بسیار قدیمی الاینیه، خوشحالی‌شان را از عقد این قرارداد بیان کرده، در مورد مقدمه‌هایی که می‌بایست برای چاپ عکس رنگی الاینیه تهیه شود نظراتی را عنوان کردند که مورد توافق پروفیسور فراگنر و دکتر ایرانی واقع شد. ایشان در همان جلسه کمافی‌السابق با تألم خاطر ابراز تأسف می‌کردند که «علم نسخه‌شناسی» هنوز به صورت یک رشته مستقل دانشگاهی وجود ندارد و این که چه خوب می‌بود اگر حداقل یک «دوره آموزشی نسخه‌شناسی» به مدت یک هفته در وین برگزار و از نسخه‌شناسان معروف بین المللی و دانشجویان برای شرکت در این دوره دعوت کنیم. هم پروفیسور فراگنر و هم دکتر ایرانی و من در آن جلسه ضمن تأیید نظر استاد، اطمینان دادیم که این کار را دنبال کرده‌ایم و چند ماهی است که مشغول فراهم آوردن مقدمات برگزاری آن هستیم. سرانجام این مهم در تاریخ ۲۲ تا ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۸ توسط «انستیتوی ایران‌شناسی» در فرهنگستان علوم اتریش در وین برگزار گردید؛ البته با همکاری مؤثر «مرکز پژوهشی میراث مکتوب» (تهران)، مجله نامه بهارستان (تهران)، «کتابخانه ملی اتریش» (وین)، «آرشیو دولتی اتریش» (وین)، «انجمن ایران و اتریش» (وین) و با حمایت «دانشگاه تهران» (کتابخانه مرکزی و مؤسسه باستان‌شناسی)، «مرکز اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران» (تهران)، «کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران» (تهران)، «سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی» (مشهد)، «دائرة المعارف اسلامی» (تهران) و «مجمع ذخائر اسلامی» (قم) و با شرکت ۱۴ نسخه‌شناس بنام از ایران و ۷ نسخه‌شناس معروف از کشورهای اتریش، فرانسه، آلمان، هلند، روسیه، تاجیکستان و در رأس همه زنده‌یاد ایرج افشار که این دوره آموزشی^{۱۴} را در ساعت ۱۱ صبح ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۸ با سخنرانی بسیار جامع خود تحت عنوان «نگاه پانورامیک به

۱۲ مثلاً نک: مسافرت‌نامه کرمان و بلوچستان... به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲ (ص ۷) که ایشان بر اساس نسخه خطی کتابخانه ملی اتریش (Cod. Mixt 358) به چاپ رساندند. ۱۳. نک معارف، سال ۱۶، شماره ۲، صص ۳-۳۸ و سال ۱۷، شماره ۱، ص ۲۱ به بعد.

علوم اتریش، تخصیص داد و بدین وسیله از خدمات حداقل چهل ساله وی در زمینه تاریخ ایرانی قدردانی کرد. این جایزه که یک قالیچه ابریشمی زیباست که کتیبه نام برت فراگنر بر روی آن نقش بسته است، در مراسم باشکوهی که به همین منظور در تاریخ ۸ ژوئیه ۲۰۱۰ در فرهنگستان علوم اتریش در وین برگزار شد، توسط دکتر سید مصطفی محقق داماد، رئیس شورای تولید آن بنیاد، به پروفسور فراگنر تقدیم شد. ۱۷ همچنین به توصیه استاد افشار مقرر شد از سال ۱۳۸۸ به بعد، یک دوره کامل از کلیه انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار در هر سال به کتابخانه انستیتوی ایران‌شناسی فرهنگستان علوم اتریش اهدا گردد.

آخرین مطلب. سال پیش استاد به ما اطلاع دادند که ایرادات فهرست فلوگل را در این فاصله شناسایی کرده، آن را تصحیح و تکمیل نموده‌اند و با هم قرار گذاشتیم پس از دریافت دستنویس ایشان آن را در وین چاپ کنیم، که متأسفانه عمرشان کفاف نداد و من نمی‌دانم آن دستنویس در چه حالی است. به هر حال بر ماست که راه آن روان‌شاد را دنبال کنیم.

در اینجا بجا می‌دانم از «کتابخانه ملی»، «مرکز دائرةالمعارف اسلامی» و نیز از «بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار» که همگی وام‌دار او هستند، و نیز از فرزندان برومندشان، آرش و بهرام و کوشیار، و همه کسانی که به زنده‌یاد ایرج افشار دل بسته‌اند، در خواست کنم که تمامی آثار استاد و کتابخانه‌های اهدایی و شخصی وی را در محل آبرومندی جمع‌آوری نموده، آنجا را به نام این بزرگوار نامگذاری کرده، با میزهایی کافی برای کار و مطالعه علاقه‌مندان و استفاده عموم باز نگه دارند - به خصوص برای جوانان کوشنده؛ تا ببینند که یک انسان پاک‌نژاد و اصیل یزدی در تمام طول عمرش چقدر برای تاریخ و فرهنگ ما زحمت کشیده و تا آخرین روزهای عمرش در ایران و سایر کشورهای جهان چه خدمات ارزنده‌ای انجام داده است. شاید این مرد یگانه تاریخ چندصد سال گذشته و آینده ایران الگویی بشود برای نسل‌های جوان در ایران و سایر کشورها.

یاد استاد ایرج افشار همیشه زنده و گرمی باد. «چه بسا دل که همه در غم او می‌سوزند»

وین، ۱۴ آوریل ۲۰۱۱

۱۷. نک بخارا ۷۶، صص ۱۵۹-۱۷۱.

کدیکولوژی نسخه‌های خطی فارسی» افتتاح کردند.^{۱۵} نزدیک به پنجاه دانشجو، کتابدار و علاقه‌مند به نسخه‌شناسی نیز از اروپا، آسیا و آمریکا به هزینه خودشان در این دوره شرکت داشتند. گزارش این واقعه مهم در روزنامه‌ها و چند نشریه اتریشی و ایرانی منعکس گردید و نیز دکتر نادر مطلبی کاشانی در پائیز ۱۳۸۷، شماره ۱۳/۱۴ نامه بهارستان و ضمیمه آن را «به یادگار برگزاری مجمع نسخه‌شناسی متون زبان فارسی...» مهر ماه ۱۳۸۷، وین، منتشر کردند. البته نظر استاد بر این بود که این دوره‌های آموزشی نسخه‌شناسی باید هر چندسال یکبار در یک کشور و به‌ویژه در ایران تشکیل شود. امیدوارم نظر ایشان به همت نسخه‌شناسان ایرانی و بین‌المللی هر چه زودتر محقق شود.

بهره‌گیری از دانش وسیع استاد و راهنمایی‌ها و ایده‌های ارزنده ایشان در زمینه‌های مختلف پژوهشی و نسخه‌شناسی سرانجام به چاپ و انتشار ختم‌الغرائب در سال ۲۰۰۶ م/۱۳۸۵ ش. و «لابنیه» در سال ۲۰۰۹ م/۱۳۸۸ ش. توسط «مرکز پژوهشی میراث مکتوب» و «فرهنگستان علوم اتریش» در تهران و وین انجامید. استاد در رونمایی آنها چه در وین و چه در تهران شخصاً حضور پیدا می‌کردند. شرح این فعالیت‌ها را هم در مقدمه‌های ارزنده‌ای که بر این دو کتاب نوشته‌اند، و هم به‌کرات در «تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی» آورده‌اند. ۱۶ اما نکته‌ای را که ندیدم جایی نوشته یا تعریف کرده باشند، هدیه ده‌ها بلکه بهتر بگویم نزدیک صد جلد کتاب به کتابخانه تخصصی انستیتوی ما می‌باشد؛ من جمله سری کامل و نایاب آینده، فرهنگ ایران زمین و... نیز بسیاری از کتاب‌های انتشارات خودشان.

اگر بخواهم از محبت‌های بی‌دریغ استاد ایرج افشار به خودم و بسیاری از همکارانم و نیز از خدمات بی‌شمار ایشان به توسعه ایران‌شناسی در فرهنگستان علوم اتریش فقط نام ببرم، کار به درازا می‌کشد، در خاتمه فقط باید ذکر کنم که «بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار» به توصیه استاد در سال ۱۳۸۸ ش. هجدهمین جایزه ادبی و تاریخی خود را به پرفسور برت‌گ. فراگنر، مدیر بازنشسته ایران‌شناسی آکادمی

۱۵. نگ به متن نهانی آن در نامه بهارستان شماره ۱۵، صص ۱۲۱-۱۳۰.
۱۶. نک بخارا ۳، ۱۲، ۳۹، ۴۰ و ...

